

جایگاه فقهی ربا و سود بانکی از نگاه متفکران جهان اسلام

علی صفری^۱، سید حسام الدین حسینی^۲، حسن حیدری^۳ فرج الله براتی^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۲ استادیار مرکز تحقیقات پژوهشهای قرآنی با رویکرد سبک زندگی اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

(نویسنده مسئول) shesamhosseini@yahoo.com

^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

^۴ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

نویسنده مسئول: shesamhosseini@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۶ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳

چکیده

دریافت سود از شروط مهم در بازار سرمایه می باشد. در بازار سرمایه ایران و بعضی کشورهای اسلامی قوانین ضد ربوی وجود دارد ولی با توجه به اهمیت قراردادهای سرمایه گذاری و سود بانکی افراد حاضر به قرار دادن سرمایه خود در اختیار دیگران بطور رایگان نیستند و سرمایه گذاران سرمایه خود را در جایی بکار می برند که بیشترین سود و در آمد را برای آنان داشته باشد و سود آنان دچار افت و کاهش نشود. پس این سوال مطرح می شود که جایگاه سود از دیدگاه متفکران مسلمان کجاست؟ هدف این تحقیق بررسی جایگاه فقهی ربا و سود بانکی از نگاه متفکران جهان اسلام و بررسی سود، در بازار سرمایه می باشد. منابع تحقیق از طریق اسناد کتابخانه ای و بصورت فیش برداری جمع آوری شده است و تجزیه و تحلیل اطلاعات بصورت کیفی می باشد. در این تحقیق مشروعیت سود از دیدگاه علمای اسلام مورد بررسی قرار گرفت. و در این زمینه متخصصان مسلمان عقود شرعی را پیشنهاد نموده اند. و در این تحقیق به این نتیجه منتهی شد که دریافت سود بر اساس عقود اسلامی ایرادی ندارد. و در بانکداری اسلامی معاملات ربوی حرام، ولی قراردادهایی را که در چارچوب موازین شرعی و عقود اسلامی باشد مجاز است.

کلیدواژه: ربا، بهره، سود بانکی، متفکران مسلمان

مقدمه

در زندگی نوین مساله قرارداد سرمایه گذاری موضوعی است که نمی توان اهمیت سرمایه و سرمایه گذاری را نادیده گرفت. بنابراین سرمایه گذار معاصر حاضر نیست سرمایه خود را بدون تضمین کافی در اختیار سرمایه پذیر قرار دهد. همچنین گسترش زندگی نوین و توجه به دریافت سود و منفعت بیشتر ذهن انسان را به مسیری رهنمون می شود که سود و منفعت بیشتری نصیب وی نماید. انسان ها همواره بدنبال منفعت بیشتری هستند و سرمایه گذار حاضر است سرمایه خود را در اختیار سرمایه پذیر قرار دهد تا با انجام عملیات تولیدی یا بازرگانی در سود حاصله شریک باشد. حال این سوال مطرح می گردد که سود از دیدگاه متفکران مسلمان چه جایگاهی دارد؟

با وجود اختلافاتی که تمام مذاهب اسلامی در مورد جایگاه و موقعیت سود در برخی از مسائل در حقوق اسلامی دارند در این بحث دارای نظری واحد هستند که سود دارای مشروعیت است و به مالک سرمایه و عامل انجام سرمایه گذاری تعلق می گیرد. صحت عقد مضاربه دلیلی بر این ادعاست. بنابراین در این موضوع مخالفتی بین متفکران مذاهب اسلامی وجود ندارد. اما در مورد بهره اتفاق علمای حقوق اسلامی آنرا دارای مشروعیت نمی دانند و بهره رانوعی ربا تلقی نموده اند که در قرآن به روشنی به حرمت آن تصریح و شک و شبهه ای در حرمت آن وجود ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ۳۱۹). در سطح جهان اسلام نیز مجمع فقه اسلامی که نهاد رسمی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی است بهره را نامشروع و معاملات بهره ای را مصادق ربوی اعلام کرده است. بنابراین در این تحقیق به بررسی جایگاه فقهی ربا و سود بانکی از نگاه متفکران جهان اسلام خواهیم پرداخت.

۲- مفاهیم

۲-۱. ربا

کلمه ربا، معنای فزونی می دهد؛ در خصوص معنای فقهی و شرعی آن نیز میتوان گفت «فزونی است که در ازای مالی دریافت شود»؛ که در فقه امامیه و به تبع آن در قوانین کیفری جمهوری اسلامی، ربا؛ دو صورت دارد که در ماده ۱ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۶۳/۵/۱۷ بیان شده است؛ ربا؛ قرضی و ربا؛ معاملی. ربا؛ قرضی بدین معنی است که هنگام انعقاد عقد قرض، شرط شود که علاوه مالی که قرض داده شده، مال اضافه دیگری

دریافت شود. در ربای معاملی دو مالی که از یک جنس هستند، معاوضه میشوند به صورتی که این دو عوض، نسبت به هم کم و زیاد باشند. البته مال باید به وسیله پیمانانه یا وزنه قابل سنجش باشد

۲-۲. ماهیت ربا

در قانون مجازات اسلامی، قانونگذار ربا را «هرگونه توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن در صورتی که همراه با زیادت باشد؛ ربا تلقی می‌شود» (میر آخور، ۱۴۲۰ ه ق، ۱۷)

ربا را بر دو گونه تقسیم می‌کنند: ربای قرضی و ربای معاوضی

ربای قرضی: آن است که شخص بدیگری قرض دهد و شرط کند اضافه بر آنچه قرض داده است، دریافت کند چنین قرضی مطلقاً باطل و حرام است؛ بدون تفاوت بین این که جنس قرض داده شده وزن کردنی باشد، یا پیمانانه ای یا شمارشی یا غیر اینها و نیز بدون تفاوت بین پول خارجی و ایرانی. حتی اگر چیزی که بعنوان اضافه شرط شده، از جنس چیزی که قرض داده شده است نباشد؛ ربا و حرام خواهد بود. (جعفر ربانی، ۱۳۹۵) مثلاً اگر پولی را به شخصی قرض دهد و شرط کند علاوه بر رد اصل پول، یک هفته هم برای قرض دهنده کار کند؛ این قرارداد ربا و حرام است.

ربای معاوضی: آن است که دو چیز همجنس با هم مبادله شود؛ در حالی که یک طرف از طرف مقابل کمتر باشد این گونه معاوضه باطل است؛ در صورتی که جنس وزن کردنی یا پیمانانه ای باشد. (همان، همان) با توجه به تعریف ربا در قانون مجازات اسلامی ربای معاوضی از منظر قوانین کیفری اختصاص به بیع ندارد. (میر آخور، ۱۴۲۰ ه ق، ۱۷)

البته در بین فقها برخی ربای معاوضی را مختص عقد بیع می‌دانند و در سایر عقود ربا را جاری نمی‌دانند (همان، همان).

در عرف جامعه، ربای قرضی رواج فراوانی دارد و بیشتر خودش را نشان می‌دهد، ربای معاوضی خیلی مبتلا به، نیست و اصولاً کشف هم نمی‌شود، آنچه بیشتر جامعه ما درگیر آن است، ربای قرضی است؛ آیات و روایات هم بیشتر این نوع ربا را مضر دانسته است (ضیایی، ۱۳۷۲، ۱۶).

۲-۳. سود

اندیشمندان مسلمان، برای توضیح درآمد حاصل از سرمایه، واژه سود را مورد استفاده قرار می‌دهند، اما هیچ توضیحی از مفهوم سود، در نظریات خود ارائه نمی‌دهند. در نهایت، آنچه از مباحث ایشان بدست می‌آید (فهیم خان، ۱۹۹۴، ۹) که سرمایه به دو قسم: (۱) سرمایه فیزیکی با دوام، و (۲) سرمایه زایل شدنی (شامل پول) تفکیک می‌شود. سرمایه فیزیکی با دوام می‌تواند در آمد ثابتی داشته باشد که اجاره نام دارد. سرمایه زایل شدنی، در آمد ثابتی که از قبل معین شده باشد، در بازار ندارد. درآمدی که از این نوع سرمایه‌ها بدست می‌آید، سود نامیده می‌شود. از این تقسیم بندی، با توجه به اینکه سود از نوع اجاره قرار گرفته است، می‌توان استنباط کرد که تلقی اقتصاد دانان مسلمان از سود، بهره قراردادی است. با این همه درآمدی را که تاجر یا کارخانه دار از سرمایه بدست می‌آورد نیز سود نامیده می‌شود. پس بین درآمدی که صاحب سرمایه، شخصاً از سرمایه بدست آورد و درآمدی که از انتقال سرمایه بغیره بدست می‌آورد فرقی گذاشته نمی‌شود. و در هر دو مورد، از واژه سود استفاده می‌شود. دو چیز در تعیین سود حاصل از سرمایه موثر می‌باشد: اولی چشم انداز درآمدی حاصل از سرمایه، و دومی ارزش سرمایه ای یا قیمت سرمایه است.

۲-۴. اختلاف بهره و سود از نظر موضوع

از نظر موضوعی بین سود و بهره؛ باید تفاوت قائل شد، چون آمیختن آن دو باهم، همانطور که گاهی در بازار سرمایه واقع می‌شود، و کار برد سود به جای بهره در نتیجه کاربرد نادرست، موجب اشتباه در حکم آن می‌گردد.

سود و بهره از این حیث که هر دو به مالک سرمایه تعلق می‌گیرد، هر دو در قبال سرمایه‌گذاری به سرمایه‌پذیر داده می‌شود و ما زاد بر اصل سرمایه است، مشترک می‌باشند. شاید به دلیل وجود این اشتراکات و تشابه است، که بجای بهره از سود، که مشروعیت آن مسلم است، استفاده می‌کنند. ولی با وجود این، از لحاظ موضوع و سبب مملک متفاوت می‌باشند (شم آبادی، ۱۳۹۱، ۹).

بهره، عبارت از مقدار مازاد مالی است که صرف نظر از بکار گرفتن سرمایه در امور اقتصادی و تولیدی یا رفع نیاز شخصی یا در صورت بکار بردن آن در امور اقتصادی، صرف نظر از میزان سودآور بودن و یا نبودن آن به مالک سرمایه اختصاص داده می‌شود (صدر، ۱۴۰۳، ۳۳).

ولی سود، عبارت از ما زاد مالی است که در نتیجه انجام عملیات تجاری و فعالیت اقتصادی توسط نیروی کار سرمایه‌پذیر و گردش سرمایه گذار، پس از برداشت اصل سرمایه و هزینه‌های انجام سرمایه‌گذاری، به عامل سرمایه‌گذاری و مالک سرمایه اختصاص داده می‌شود.

بنابراین، سود و بهره هر چند هر دو مازاد بر اصل سرمایه به مالک اختصاص می‌یابد؛ ولی سود ما زادی است که در نتیجه گردش سرمایه در امور تولیدی و تجاری ایجاد شده است؛ ولی بهره ما زادی است که به صرف اعطاء سرمایه به مالک اختصاص یافته است.

در سود، تولید ثروت شده است و به همین جهت در شرکت تجاری سود خالص در هر سال مالی به درآمد حاصل شده در همان سال منهای تمام هزینه‌ها و استهلاکات تعبیر شده است (ستوده تهرانی، ۱۳۷۵، ۲، ۳۱۹).

نتیجه می‌گیریم از "زمانی که قرارداد بهره منعقد می‌گردد مالک و صاحب بهره می‌شود و در صورتی که زمان خاصی برای تأدیه و پرداخت آن تعیین نشده باشد، لازم است؛ بلافاصله پرداخت شود و مالک حق مطالبه را دارد. ولی در سود، بعد از انجام عملیات سرمایه‌گذاری و تحقق سود، مالک سرمایه، مستحق سود به نسبت سهم تعیین شده می‌شود و حق درخواست تقسیم آن را دارد. در صورتی که سودی محقق نشود، به مالک چیزی تعلق نمی‌گیرد.

۳. واکاوی سود از دیدگاه اندیشمندان اسلامی (علمای شیعه و سنی)

در این قسمت به بررسی سود بین علمای شیعه و سنی می‌پردازیم.

۳-۱. کارشناسان اهل سنت

فقه‌های اهل سنت این گونه استدلال و استناد کرده اند که خداوند ربا را حرام و تجارت و معامله را حلال شمرده است. در این زمینه تعدادی معتقد به مشارکت برای انجام معاملات بانکی هستند، تعدادی معتقد به عقد مرابحه هستند و عده‌ای به هر دو مورد اشاره، گروهی هم بر عقد مضاربه تأکید نموده‌اند.

که ما به بخشی از مباحث آنها در این زمینه اشاره خواهیم کرد (فراهانی فرد، ۱۳۷۸، ۹۲).

الف- محسن خان می‌گوید در یک مفهوم کلی، سیستم بانکداری اسلامی، سیستمی است بر پایه سهم متعارف که در آن باسپرده گذاران مانند سهام داران یک بانک برخورد می‌شود. متعاقباً سپرده‌ها از نظر ارزش اسمی آن با یک نرخ بهره از پیش تعیین شده بر آنها تضمین نمی‌شوند؛ و در صورتی که پولی عاید بانک گردد، استحقاق دریافت میزان مشخصی از سود را دارد و در صورت متضرر شدن بانک سپرده گذاران نیز در زیان شریک خواهند بود و نرخ منفی بهره به آنها تعلق می‌گیرد. (محسن خان، ۱۹۹، ۱۳۱)

ب- رفیع خان (۱۹۸۴) نیز در این باره می‌گوید: اولین موضوع جایگزین کردن مکانیزم مشارکت در سود و زیان به جای مکانیزم بهره است. به عنوان مبنای معاملات بانکی در بازار وجوه قابل استقراض (مکانیزم مشارکت) نوعی سرمایه سهمی است به گونه‌ای که وام دهنده در سود و زیان وام گیرنده شریک می‌گردد. (میر آخور، ۱۳۷۰، ۱۷۱)

ج- منذر کهن، بعد از بیان تفاوت‌های مضاربه و مشارکت و هماهنگی عقد مضاربه با وضعیت بانک‌ها از نظر اجرایی، عقد مضاربه را به عنوان ابزاری جهت فعالیت‌های بانکی موثر می‌داند.

د- احمد نجار نیز در مقاله‌ای با عنوان «بانکداری بدون ربا» نوشته است که (تنها راه نجات از نظام ربوی، تنفیذ نرخ مشارکت می‌باشد. که مطالبی می‌گوید که مقصود وی از مشارکت عقد مضاربه نمی‌باشد. (نجار، بی تا، ۳۶۴)

ذ- مسعود خان، نیز تعیین هر نظام مالی را بر اساس قرار دادهایی می‌داند که آن نظام به بازار ارائه می‌نماید. قرارداد وام را به عنوان بهترین معرف مجموعه قرار دادهای غیر اسلامی دانسته و درباره قراردادهای اسلامی می‌گوید: چنانچه قراردادی حاوی شرط مشارکت در سود ناشی از فعالیت اقتصادی باشد که برای تامین مالی آن از وام استفاده شده است، می‌تواند یک قرار داد مالی شمرده شود. قرارداد معروف مضاربه نمونه بارز قرار داد های اسلامی است (محسن خان و میر آخور، ۱۳۷۰، ۱۲۷)

ر- محمد عزیز نیز در مقاله ((ابعاد نظری و عملی بانکداری بدون بهره)) گفته است می‌توان گفت در بانکداری بدون بهره در جامعه سه گروه وجود دارد: - استفاده کنندگان واقعی از سرمایه یا خطر پذیر

- بانک که به عنوان استفاده کننده جزئی سرمایه و نیز حلقه رابط عمل می‌کند.

- عرضه کننده پس انداز یا اموال سرمایه‌های، که همان سپرده گذار بانک است؛ بنا بر این ارتباطی سه جانبه بین خطر پذیران واقعی بانکها و سپرده گذاران وجود دارد. یک طرف قرارداد مضاربه بین سپرده گذار و بانک و از طرف دیگر بین بانک و خطر پذیر است. (خورشید، ۱۳۷۴، ۱۲۷).

ز- برخی از دانشمندان اهل سنت مانند: عمر چاپرا، صدیقی و ندیم الحق نیز هر دو روش را پیشنهاد نموده اند. چاپرا اگر چه در مواردی به مکانیزم مشارکت در سود و زیان اشاره می‌کند، همواره تصریحا یا تلویحا به مکانیزم مضاربه تأکید می‌ورزد. (شاپرا، ۱۴۰۴، ۸-۷)

ژ- برخی پیشنهاد کرده‌اند: بهره بطور کلی باید از بانک حذف شود بانک‌ها نه می‌توانند به سپرده گذاران بهره‌ای بپردازند و نه از مشتریان خود بهره دریافت نمایند، در آن صورت، تامین هزینه بانک بر عهده دولت خواهد بود. (قریشی، ۱۳۶۱، ۸۳ و ۶۷)

۳-۲. کارشناسان اهل تشیع

الف- شهید محمد باقر صدر، اولین فرد از فقهاء و از اندیشمندان شیعه است که در مورد مسائل اقتصادی و مسائل بانکی تحقیق نموده و نتایج تحقیقات خود را در کتاب‌هایی مانند «اقتصادنا»، «الاسلام یقود الحیاة والبنک الربوی» تدوین نمود. ایشان در کتاب ارزشمند (البنک الربوی)، اول به مسئله تبیین طرح بانک اسلامی توجه می‌کند که دو وضعیت زیر را باید از هم جدا نمود و با توجه به شرایط و موقعیت آن به طور مجزا برنامه‌ریزی کرد:

۱- برنامه ریزی برای بانک اسلامی در چارچوب برنامه ریزی جامعه یعنی بعد از اینکه برنامه ریزی اداره تمام امور جامعه بر اساس اصول اسلام انجام گرفت، طرح تاسیس بانک اسلامی هم به عنوان جزئی از نظام کل اسلامی ریخته می‌شود.

۲- برنامه ریزی برای ایجاد بانک اسلامی در چارچوب یک نظام غیر اسلامی. در این صورت، برنامه ریزی تاسیس بانک اسلامی جدا از دیگر امور جامعه صورت می‌گیرد، زیرا در جامعه نظام اجتماعی غیر اسلامی حاکم است و سازمانهای زیادی از قبیل: بانک ها و صرافیها وجود دارند که فعالیت هایشان براساس ربا خواری می باشد و سرمایه داری به تمام معنا برزندگی اقتصادی و فکری و اخلاقی مردم حکومت می کند.

بین این دو وضعیت اختلاف اساسی وجود دارد زیرا در وضعیت اول تحریم ربا ثمره خود را می دهد در اقتصاد نا گفته است که تمام اجزا و عناصر نظام اسلامی به یک دیگر وابسته اند و هر جز و عنصری در رابطه با عناصر دیگر امکانات موفقیت آن عناصر را فراهم می آورد و در راه تحقق اهداف اسلامی آنها بکار می آید.

در وضعیت دوم، در یک بانک بخصوصی، احکام اسلامی جاری است و در حالی که بسیاری از احکام اسلامی در جامعه به اجرا گذاشته نمی شود بنا براین، در صورت دوم نمی تواند نتیجه مطلوب صورت اول را داشته باشد. شهید صدر در طرح پیشنهادی خود سه شرط را در نظر می گیرد:

- هماهنگی کامل با شرایط اسلام

- توفیق در همه شرایط اجتماعی و در همه گونه جوامع انسانی

- نه تنها بتواند به عنوان یک موسسه سودآور فعالیت کند، بلکه بتواند به عنوان یک بانک در زندگی اقتصادی نقش سایر بانکها را ایفا نماید (صدر، ۱۳۵۹، ۲-۱).

شهید صدر در روش به کارگیری سپرده اشخاص آن را به دو قسم عندالمطالبه (جاری و پس انداز) و مدت دار تقسیم کرده، در سپرده های مدت دار روش مضاربه را پیشنهاد و مکانیزم آن را به صورت فنی ترسیم می نماید. در واقع ایشان بانک را واسطه ای میان سپرده گذاران و دریافت کنندگان تسهیلات و وکیل صاحب سرمایه می داند (همان، ص ۱۲-۱۱).

ب- شهید بهشتی، فعالیت های بانک را به دو دسته (حواله، برات... و اعتبار) تقسیم می کند و نسبت به فعالیت های نوع اول، یعنی دادن حواله، برات، حساب جاری و... کارمزد را پیشنهاد می کند، اما نسبت به فعالیت های نوع دوم بانک ها، یعنی دادن اعتبار یا وام تجاری، صنعتی کشاورزی و... این گونه فعالیت ها را نیز به دو بخش تقسیم می کند: بخش اول وام های کوچک به عنوان کار گشایی که قرض الحسنه را به این منظور توصیه کرده دریافت درصدی به عنوان کارمزد را که متناسب با هزینه های انجام شده باشد، بدون اشکال می داند و در رابطه با تامین سرمایه ای این گونه وام ها نیز دو راه پیش رو می گذارد. الف: موسساتی شخصی یا گروهی قرض الحسنه که سرمایه آنها از حساب انسان های نیکوکار تامین می گردد. ایشان مساله زکات بر اسکناس را برپرس که اسکناس مثل طلا و نقره باشد را تشویقی برای سرمایه گذاری در این صندوق می داند. اگر کسی در طول سال از پول خود هیچ استفاده نکند باید ۲/۵ درصد آن را به عنوان مالیات بپردازد، اما اکثر فقها زکات را بر اسکناس راقبول ندارند. علاوه بر اینکه، شخص برای فرار از این زکات در طول سال یک معامله با پول انجام دهد.

ب: بانک های دولتی، اگر از راه اول نتیجه مطلوب بدست نیورد، باز وظیفه دولت است که از بودجه عمومی بانک ها برای بر آوردن وام ها، بخشی تاسیس نماید و کارمزدی متناسب با هزینه جاری خود دریافت کند. ایشان در کتاب خود نسبت به حل مشکل سرمایه های بزرگ، سه راه پیشنهاد می کند: ۱- شرکت های سهامی که با سهام بی نام و در شکل گسترده فعالیت می کند و می تواند پس انداز های مردم را جذب و در سود و زیان هم شریک باشد. ۲- شرکت های تعاونی تولید و توزیع مصرف که بنا بر تعبیر ایشان از شرکت های سهامی نیز پیشرفته ترند و به وسیله آنها می توان سرمایه های بزرگ متعلق به سرمایه دارهای کوچک را فراهم نمود.

۳- بخش دولتی به فرض اینکه دو روش بالا زمینه اجرایی خوبی نداشت، دولت های سالم و صالح می تواند خیلی بهتر از سرمایه داران خصوصی در راه صنایع بزرگ و یا طرح های آبیاری و کشاورزی وسیع سرمایه گذاری کند (بهشتی، ۱۳۴۲، ۹۵-۸۵).

پیشنهاد اخیر ایشان بخش گسترده تر از حل مشکل بانک داری می باشد و در صدد پاسخگویی به این مشکل است که با حذف ربا مشکل سرمایه سرمایه های بزرگ چگونه حل می شود، اما پیشنهاد اول می تواند به عنوان نوعی مشارکت در سیستم بانکی مورد استفاده قرار گیرد و پیشنهادهای قبلی ایشان نیز به عنوان حل مشکل وام های مصرفی مورد مطالعه قرار بگیرد (فراهانی فرد، ۱۳۹۲، ۹۰-۸۸).

ج- شهید مطهری، ایشان نیز در کتاب «ربا بانک و بیمه» ضمن بیان ضرورت وجود بانک در جامعه و اینکه بانک نقش واسطه و رابطه را ایفا می کند، که از یک طرف سرمایه ها را جمع و از طرف دیگر نیروی انسانی را به کار می گیرد. به بررسی و ارزیابی راه حل هایی برای اسلامی شدن بانک می پردازد، اولین راه حلی که در آن مطرح می شود، ملی کردن بانک ها است، در این راه کار، از طریق منتفی کردن حکم ربا بین پدر و پسر، مشکل ربا در بانک های دولتی حل می شود زیرا در این صورت پولی که دولت بعنوان ربا می گیرد و در خزانه دولت جمع می شود، به شکل دیگری دوباره به جامعه باز می گردد، وی اظهار می دارد: پذیرفتن این نظریه بستگی دارد که فقیه بتواند القای خصوصیت در حکم نبود ربا بین پدر و پسر کند و بعید نیست که بتوان این کار را کرد (مطهری، بی تا، ۹۷-۸۷). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز برخی این راه حل را ارائه نموده اند.

چند راه حل دیگر در این کتاب مطرح می شود: اول مضاربه است. دوم وام درماندگان که تعبیر دیگری از قرض الحسنه می باشد. سوم، وام امیدواران که بیان دیگری از پیش فروش است. وام دیگری به نام وام بستانکاران نیز مطرح است به این بیان که یک صندوق تعاونی بوجود آید و شریکانی داشته باشد، که

پول های اضافی خود را به نام وام به این صندوق بدهد و به نسبت معینی حق داشته باشند وام بگیرند و ضمناً بهره ای با نرخ عادی منظور گردد. سپس صاحبان سرمایه، به هیئت مدیره وکالت بدهند تسود حاصله را در پایان سال متناسب با بهره های پرداخته تقسیم کنند. در این صورت، وام گیرنده ها عملاً در حدود هزینه بانک، بهره پرداخته و کسی از دیگری را ننگرفته است (همان، ۹۶).

۳-۳. سود بانکی از نظر مراجع تقلید

در این قسمت به بررسی سود بانکی از دیدگاه مراجع تقلید شیعه و علمای اهل تسنن می پردازیم.

۳-۳-۱. سود بانکی و مراجع تقلید (شیعه)

الف - امام خمینی (ره) می نویسد: امانت و ودیعه هایی که اشخاص به بانک ها می دهند و آن را سپرده بانکی می گویند، اگر عنوان قرض و تملیک با ضمانت راداشته باشد اشکال ندارد و برای بانک جایز است در آن تصرف کند، اما قرض دادن نفع و فایده در آن حرام همچنان که دادن سود از طرف بانک حرام و گرفتن نیز نا مشروع و حرام است و در صورت تلف و اتلاف سود گیرنده آن (که بانک است یا صاحب سپرده) ضامن آن سود است هر چند که اصل قرض صحیح است (امام خمینی، ۱۳۹۸، ج ۴، مسأله ۳) ایشان دریافت بهره و سود از سپرده های بانکی، راربا و حرام می داند و در جواب سوال های مختلف و متعدد این فتوا را صادر نموده است.

ب- آیت الله خوئی: وام گرفتن از بانک های شخصی و وام دادن به آنها که در آن شرط سود و فایده شده باشد جایز نیست و ربا و حرام است، ولی می توان با انجام دادن عمل که ذیلاً اشاره می شود از ارتکاب به حرام و از ابتلا به ربا دور شد منظور اینکه شخصی که می خواهد وام بگیرد، کالا یا جنسی را از بانک یا وکیل او به نسبت معینی (۱۰ درصد یا ۲۰ درصد) از قیمت بازار گرانتر بخرد، به شرط اینکه بانک مبلغ مورد تقاضای او را قرض دهد و همین طور در عکس قضیه، اگر بخواهد وام به بانک بدهد، کالا یا جنسی را به بیشتر از قیمت بازار به او بفروشد به شرط اینکه مبلغ مورد نظر را به بانک قرض دهد و با این کار می توان از ربا دور شد. (خوئی، ۱۳۸۳، مسئله ۲).

ج- آیت الله سید علی سیستانی می نویسد: عملیاتی بانکی دو گونه است:

۱- عملیات بانکی حرام، مانند عملیاتی که مربوط به معاملات و شرکت هایی که معاملات ربوی دارند، یا به تجارت شراب مشغولند، مانند فروش سهام آنان و گشایش در این بخش جایز نیست و موجب استحقاق اجرت نمی گردد. (سیستانی، استفتائات سایت اینترنتی سوال-ها و جواب-ها، بانک سوال ۶).

۲- عملیات بانکی جایز که غیر از عملیات مذکور هستند و پرداختن به آنها و گرفتن اجرت بر آنها جایز است. در جای دیگر می نویسد: اگر هنگام سپرده گذاری شرط ربح نشود، گرفتن سود اشکال ندارد ولو اینکه می دانسته به او سود می دهد. همچنین می نویسد: اگر پول بر اساس معامله شرعی در بانک گذاشته شود، کلیه سود متعلق به سپرده گذار خواهد بود و با سود هم می توان به مکه رفت و حج انجام داد و اگر سپرده گذاری بر اساس معامله شرعی نباشد، مجازن که سود سود گرفته و نصف آنرا تملک کند مشروط بر اینکه نصف دیگر را به فقیر متدین صدقه بدهند (همان، سوال ۹). سودی که از این معاملات بدست می آید اشکال ندارد و این نوع معاملات ارتباطی با قرض و بهره آن ندارد (همان، سوال ۸۳۷).

د- آیت الله بهجت می نویسد: سود بانکی (سود وام و سپرده) ربا و حرام است، مگر با معامله شرعیه در قبال سود معین (بهجت، استفتائات، سوال ۳۹۹۳).

ذ- آیت الله مکارم شیرازی می نویسد: پول هایی را که مردم به عنوان حساب جاری به بانکها می سپارند، صورت قرض الحسنه به بانک دارد که هر وقت بخواهند، می توانند آن را بگیرند و اگر سود پدر آن قرار دهند، حرام است و قرض هم باطل است و بانک نمی تواند در آن تصرف کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، المسائل و استفتائات، مسئله ۲۴۲). سپرده های کوتاه مدت و دراز مدت مردم، نزد بانکها و سودی که بانک به آن می دهد در صورتی حلال است که طبق موازین شرعی و از طریق قراردادهای عقود شرعی (از قبیل مضاربه و شرکت و امثال آن) باشد و بدهنده پول یقین داشته باشد که بانک به عنوان وکالت از طرف مشتری این قراردادها را به فروش شرعی انجام می دهد، اما اگر یقین دارد که این امور جنبه ظاهری و صوری دارد و فقط روی کاغذ است، آن سود حرام است (همان، مسئله ۲۴۲).

ر- آیت الله جعفر سبحانی مینویسد: در سپرده های مدت دار بانکی هرگاه مقصود از وکالت این باشد که بانک خودش و یا توسط افراد دیگر با سرمایه وی مضاربه انجام دهد، اشکال ندارد اما اگر تجارت سودی نکرده باشد، مصالحه منافع موضوع ندارد زیرا صاحب پول طلبی ندارد و سود کرده باشد و سود مشخص است باید آن سود را بدهد ولی اگر سود به جهتی مشخص نبود و احتمال قلت و کثرتی باشد، مصالحه مانعی ندارد. (سبحانی، استفتائات، ۱۳۸۹، ج ۱، سوال ۷۹۵). همچنین در معامله با بانکهای دولت میگوید: دولت مالک است و شخصیت حقوقی دارد. معاملات اگر ربوی نباشد، اشکالی ندارد. و اگر مسئول بانک بگوید که ما با پول شما معامله مضاربه ای انجام می دهیم، رفتار او را باید حمل به صحت کرد و تقییدش لازم نیست؛ مگر اینکه علم به خلاف داشته باشد (همان، سوالات ۷۹۱ و ۸۲۹).

ز- آیت الله فاضل لنکرانی در مورد شخصی که پولی را در بانک به صورت دارا مدت می گذارد و بانک همراه به صاحب پول سود می دهد می گوید: چون بانک های جمهوری اسلامی ایران، به صورت مضاربه و سایر عقود اسلامی عمل می کنند، سود مزبور حلال است. (فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، سوال ۱۰۸۴).

ژ-آیت الله خامنه‌ای می‌نویسد: به طور کلی معاملات بانکی که بانک‌ها بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تایید شورای نگهبان انجام می‌دهند اشکال ندارد محکوم به صحت است و سود حاصله از به کارگیری سرمایه بر اساس یکی از عقود صحیح اسلامی، شرعاً حلال است، لذا در صورتی که گرفتن پول از بانک برای خرید مسکن و مانند آن تحت عنوان یکی از عقود باشد بدون اشکال است؛ ولی در صورتی که قرض ربوی باشد، هر چند گرفتن از نظر حکم تکلیفی حرام است، ولی اصل قرض از نظر حکم وضعی صحیح است و آن مال ملک قرض گیرنده می‌شود و جایز است در آن تصرف کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، سوال ۱۹۲۲).

س-آیت الله نوری همدانی می‌نویسد: سودهایی که بانک میدهد چه در سپرده‌های دراز مدت و چه در کوتاه مدت با این شرط حلال است که افراد، به این منظور پول خود را به بانک بدهند و قرارشان بر این باشد که بانک را وکیل خود گردانند تا متصدیان بانک، پول‌هایی را که از اشخاص می‌گیرند، در جریانهای اقتصادی از قبیل مضاربه، مزارعه، مساقات، تاسیس کارخانه و ساختن و فروختن خانه‌ها بکار بیندازند و سودی را که از این راهها بدست می‌آورند، میان خود و صاحبان پول، تقسیم کنند، در این رابطه هر چند متصدیان بانکها در حین تحویل گرفتن پول به عنوان وکالت، نمی‌دانند که در ضمن جریانهای اقتصادی چه اندازه سود بدست خواهند آورد، ولی چون از طرفی در شناخت نبض جریان‌های اقتصادی مهارت بیشتری دارند و از طرف دیگر، تمرکز پول به آنها قدرت بیشتری می‌دهد، اطمینان دارند که سود بدست خواهد آمد، لذا به صاحبان پول وعده می‌دهند که صدی چند نسبت به پول شما به شما سود می‌دهیم و بقیه را خودمان برای خود و تشکیلات خود بر می‌داریم و این موضوع در حقیقت یک تعهد و وعده‌ای بیش نیست و چون در ضمن عقد لازم انجام نگرفته است (چه اینکه وکالت از عقود جایز است) الزامی برای عملی ساختن آن نیز وجود ندارد، اما تعهد اخلاقی است و به آن عمل می‌کنند و راهی برای حلال بودن آن سود غیر از این نیست. (نوری همدانی، هزار و یک مسئله فقهی، جلد ۲، سوال ۴۶۵).

۳-۲. سود بانکی، علمای اهل سنت و مذاهب فقهی چهارگانه

الف: صالح بن زاین المرزوقی البقمی؛ وی می‌گوید: در عصر ما با پول‌های کاغذی معامله می‌کنیم که پول رایج در همه کشورهای جهان است؛ احکام صادر شده از مراکز فقهی حاکی از این است که پول کاغذی، اعتبار مستقل دارد و احکام طلا و نقره شامل آن می‌شود. حکم مجمع فقهی اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی شماره (۹) در تاریخ ۱۹۸۶/۷/۳ میلادی، این است که پول کاغذی پول اعتباری است که از تمام شرایط ثمن بودن برخوردار است و احکام مقرر برای طلا و نقره از جهت ربا، زکات، قرض و سایر احکام آنها شامل آن نیز می‌گردد. (مصباحی مقدم، ۱۳۸۳).

مجله احکام شرعی نیز در ماده ۷۵۰، همین سخن را گفته است: اگر فلس یا درهم شکسته یا پول‌های کاغذی قرض داده شود، پس از آن گران یا ارزان را کد شود ولی معامله با آن ممنوع نگردد، واجب است مثل آن باز پرداخت شود؛ اگر دولت معامله با آنها را ممنوع کند، باید قیمت روز قرض آن پرداخت شود. اگر ربای معاوضی در آن راه باید به غیر جنس خود تبدیل و پرداخت شود. حکم در سایر بدهی‌ها و در ثمن در یافت نشده و دستمزد و اجرت و عوض طلاق خلع و عتق و ضمان تلف و ثمن دریافت شده‌ای که فروشنده باید برگرداند نیز همین است (القاری، ۱۴۰۱، ج ۱).

ب- مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت

در بین فقهای اهل سنت، رویه یکسانی وجود ندارد لیکن نوعاً ربا را به دو نوع «ربا الفضل» و «ربا النسیه» تقسیم می‌کنند. حنفی معتقد است ربا فضل وقتی اتفاق می‌افتد که در یک معامله نقد، ارزش یکی از عوضین هم جنس بیشتر است و آن دو مکیل و موزون هستند. لیکن مالکی معتقد است عوضین باید مواد غذایی باشند یا وجه رایج. مقصود از ربای نسیه خرید و فروش اجناس ربوی همراه با زیاده به صورت نسیه است (طباطبایی یزدی، بی‌تا، ۱۸).

در اینکه در بدهی‌ها چه قرض باشد یا بهای معامله نسیه، یا مهربه تاخیری اتفاق نظر دارند اگر پول رایج، طلا یا نقره باشد، مثل آن باز پرداخت می‌گردد و کاهش یا افزایش قیمت این گونه پول‌ها مادامی که پول رایج باشد، قابل اعتنا نیست. (فحف، ۱۴۲۴ق، ۳۰۴).

در کتاب المدونه مالک آمده است: پرسیدم اگر مردی به دیگری بگوید معادل ارزش یک دینار یا نصف دینار یا ثلث دینار به من، دینار و درهم قرض بده او و درهم‌های مورد نظر را قرض دهد، در نظر مالک چه مقدار باید باز پرداخت کند؟ مالک گفت: همانند درهم‌هایی که از او گرفته به او پس دهید؛ ارزش آنچه کاسته یا افزوده شده باشد بر عهده او جز مثل آن چه گرفته نیست. (اصبحی مدنی، ۱۴۱۱ق، ۴۴۵).

شافعی نیز گفته است: کسی که مقدار فلس یا درهم قرض دهد یا در برابر آنها چیزی بفروشد، سپس حکومت آن پول‌ها را از رسمیت ببندد، حق او جز مثل فلس یا دینار و درهم‌هایی که قرض داده یا با آن معامله کرده است نیست (شافعی، ۲۰۰۱، ۳۳).

از مالک سوال شد: در صورتی که فلوس استقراض کنیم و پس از آن فلوس از معاملات ساقط گردد، چه مقدار به طلب کار بپردازیم مالک گفته است: مثل همان فلوس که قرض گرفته‌ای، به او بپرداز گرچه ساقط شده باشد، پرسیدم: اگر به او در برابر فلوس کالایی فروخته‌ام و قبل از دریافت مبلغ، فلوس ساقط شود، مالک گفت: برای تو همانند فلوسی است که در برابری آن کالا فروخته‌ای، از نوع فلوسی که آن روز در میان مردم رایج است و اگر فلوس ساقط شده برای تو جز همان نیست. (اصبحی مدنی، مالک بن انس، ۴۴۴، ۳).

ماحصل جستارها در فقه حنفی، شرط تضمین سود بیشتر و به طریق اولی تضمین سود در دو عقد مضاربه و مشارکت را به نسبت عمل عامل در مضاربه و عنان و به نسبت راس المال در شرکت مدنی عقدی است. در مورد مضاربه هر دو فقه شیعه و حنفی از اهل سنت شرط تضمین سود و زیان را مکمل یکدیگر دانسته‌اند یعنی سود برای کسی است که زیان بر عهده اوست، بدون اینکه در قبال عمل اوباشد.

فقه‌های اهل تسنن، جز حنفیان، جعاله را مشروط می‌دانند، حنفیان جعاله را نوعی اجاره فاسد و نامشروع دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱۳۶).
 ج- احمد سالم محمد. او که از دانشمندان مصری است می‌گوید: در پرتو آنچه گذشت، مفهوم اقتصادی ربا می‌تواند با بهره برای اهداف مصرفی، وام برای فعالیت‌های غیر تولیدی یا غیر توسعه‌ای و معاملات بانکی شود که توازن بین درآمد و هزینه تامین مالی آنها را برهم می‌زند و به ظلم، غبن و بهره‌کشی می‌انجامد و نیز شامل وام‌هایی می‌شود که منجر به نابودی سرمایه‌هایی مورد بهره برداری و در تنگنا قرار گرفتن، ورشکستگی شرکت‌های وام‌گیرنده شود اما عملیات تامین در بخش فعالیت‌هایی که هدف آن تحقق سود، رشد و عمران است و در آنها با مطالعات فنی و اقتصادی دقیق؛ هزینه سرمایه با درآمد مالی و بررسی صلاحیت اعتباری وام‌گیرندگان، بررسی عوامل و منابع به خدمت گرفته شده، اطمینان یا ترجیح پدید می‌آید که امکان برگشت هزینه‌های تامین مالی از راه سرمایه‌گذاری وجود دارد و نتیجه آن اساساً حضور فعال در عرصه رقابت یا دنبال کردن رشد اقتصادی با استفاده از سرمایه‌ها، به منظور افزایش نرخ سود نسبت به هزینه سرمایه است و به افزایش سرمایه‌ها یا حقوقی مالکیت منجر می‌شود که در این صورت بهره حرام و ربا محسوب نمی‌شود (صانعی، ۱۳۸۳)؛ زیرا در این گونه وام‌ها، ضرر منتفی است و سرمایه‌ها فانی نشده بلکه رشد یافته و به نفع عمومی و برای طرف‌های داد و ستد و نیز جامعه تحقق یافته است. (قحف، ۱۴۲۴ق، ۳۹۷).

احمد سالم محمد ادامه می‌دهد: علت حرمت ربا، بهره‌کشی از فقرا و در ماندگان است که با دادن وام با بهره به آنها برای اهداف مصرفی صورت می‌گیرد، یا اینکه در تجارت و تولید با افزایش هزینه تامین مالی نسبت به میانگین سود آنان که منجر به انباشته شدن زیان‌ها با بدهی سنگین تولیدکنندگان می‌گردد و در نتیجه، به فرسایش اصل سرمایه‌ها، تنگدستی، فقر، ورشکستگی، شرکت‌های وام‌گیرنده و بحران‌های اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی می‌انجامد (قحف، ۱۴۲۴ق، ۳۹۸). بنابراین، ربا در قرض‌های مصرفی حرام است، ولی در وام‌های تولیدی سودآور حرام نیست.

۴. واکاوی نظرات مخالفان و موافقان تضمین سود

الف- نظرات مخالف

الف - یکی از دلایل مطرح شده برای عدم صحت تضمین سود علی‌الحساب سپرده آن است که چنانچه سود قطعی معادل یا کمتر از سود تضمین شده (علی‌الحساب) باشد، طرف ضمانت‌کننده ضرر می‌کند؛ از این جهت، شاید بتوان نفی سود تضمین شده را ذیل قاعده لاضرر گنجاند.
 در پاسخ می‌توان گفت، سپرده‌پذیر (بانک) با علم به این موضوع که ممکن است سود قطعی کمتر از سود علی‌الحساب شود، سود اخیر را تضمین کرده است. همانند شرکت بیمه که احتمال می‌دهد عایدی او از حق بیمه‌گذار کمتر از پرداخت هزینه‌ها به او باشد؛ یا ورود شریک به مشارکتی که احتمال رخداد ضرر را همراه خود دارد؛ بنابراین، این حد از آگاه‌از زیان احتمالی در انجام دادن امر ضمانت سود، به معنای اقدام فرد به حساب می‌آید و مانع جاری شدن قاعده لاضرر می‌شود. به عبارت دیگر مطابق قاعده اقدام، هرگاه شخصی با آگاهی عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او شود، واردکننده زیان مسئول خسارت نخواهد بود؛ زیرا عناصر اصلی و لازم در قاعده "لاضرر" استناد است و با توجه به اقدام زیان‌دیده، استناد به شخص مسبب مرتفع می‌شود. خلاصه اینکه، قاعده لاضرر برای حمایت از متضرری وضع شده است که خودش مقدمات زیان‌رساندن به خودش را فراهم نکرده باشد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ۲۲ و کاشانی، ۱۴۰۴ق، ۷). در نتیجه، به نظر می‌رسد این ایراد جدی نباشد.

ب - مقتضای عقد مشارکت آن است که به تمام شرکا میزانی از سود تعلق گیرد، در حالی که با پرداخت سود تضمین شده به سپرده‌گذار ممکن است عملاً سودی برای بانک به عنوان شریک باقی‌نماند و این خلاف مقتضای مشارکت است. در پاسخ به این ایراد و ایراد قبلی گفته شده است چون اغلب سود تضمین شده به گونه‌ای تعیین می‌شود که برای عامل نیز سودی باقی می‌ماند، پس شرط تضمین سود منافاتی با مشارکت ندارد (باریکلو، ۱۳۸۷، ۱۰۰). به نظر می‌رسد، این پاسخ چندان محکم نیست؛ چراکه بیشتر بودن یک حالت نمی‌تواند قاعده‌ای جامع برای آن حالت باشد. پاسخ قوی‌تر به این ایراد این می‌تواند باشد که اولاد عقد مشارکت ممکن است سودی حاصل نیاید و حتی ضرر نیز به بار آید؛ لذا مقتضای عقد مشارکت لزوماً تعلق سود نیست. ثانیاً طبق نکته اول، مشارکت بانک با سپرده‌گذار (منظور در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار) از نوع مشارکت عقدی (انعقاد قرارداد مشارکت) نیست، بلکه از نوع قهری است؛ بنابراین، عقدی وجود ندارد که فرض مذکور بخوادمخالف با مقتضای آن باشد.

همچنین ممکن است پاسخ دیگری به این ایراد داده شود و آن اینکه بر فرض وجود مشارکت عقدی، تضمین سود در فرایند عقد شرکت قرار ندارد، بلکه با عقد دیگری شکل می‌گیرد. ماهیت این عقد رانمی‌توان ضمان گذاشت؛ زیرا منظور از این ضمان نقل ذمه به ذمه نیست، بلکه یا الف- پذیرش مسئولیت به سود رسانی پروژه تا عدد معین است؛ یا بمنظور شرط فعل، مانند شرط هدیه (هبه) کردن کمبود سود از سایر منابع خود است.

فارغ از فرض نادرست وجود مشارکت عقدی در این پاسخ، به نظر می‌رسد سایر موارد مذکور آن نیز قدرت لازم را ندارد؛ چراکه در مورد (الف) اشکال می‌شود که اگر ضامن تلاش کند ولی این عدد حاصل نشود، او به مسئولیت خود عمل کرده است ولی سود لازم پدید نیامده است و موظف به ادای آن نیست؛ پس تضمین سود محقق نمی‌شود. در مورد (ب) نیز به مبلغ هدیه شده‌اوه سود سرمایه‌گذاری گفته نمی‌شود.

در مجموع میتوان با توجه به توضیحات ذیل پاسخ اول، این ایراد را نادیده گرفت.

ج- ایراد دیگری که به تضمین سود گرفته می شود این است که در ابتدای این تضمین، مضمون به و یا مال مورد ضمان هنوز محقق نشده است، پس چگونه می توان از مالی که هنوز موجود نیست ضمانت کرد؟ از نگاه فقهی، برای صحت ضمان وجود مضمون به و یا سبب آن ضروری است (خوئی، ۱۴۱۷ق، ۳۳۳، ۷) و از نگاه حقوقی، ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است، باطل است (ماده ۶۹۱ قانون مدنی)؛ بنابراین، تضمین سود محقق نشده باطل است. در پاسخ گفته می شود، شرط ضمان در باب سود تضمین شده به مفهوم ضمان عقدی نیست که مال مورد ضمان از ذمه شخصی به ذمه ضامن نقل شود؛ چراکه رابط سرمایه پذیر و سرمایه گذار رابطه مدیون و داین نیست. همچنین این ضمان، ضمان ناشی از قاعد علی الیدهم نیست چون اولاً: هنوز سودی محقق نشده است تا ید سرمایه پذیر بر آن قرار گیرد و ثانياً: رابطه موجود رابطه مالک و متصرف بر قاعده ید نیست؛ بنابراین، مراد از شرط تضمین ضمان عقدی و قهری نیست، بلکه تعهد متعهد و ضامن بر اکتساب «سود تعیین شده» است. پس روشن است که مراد از شرط، شرط نتیجه نیست، بلکه شرط فعل است که مشروط علیه تعهد می کند که مقدار سود را برای مشروط له کسب کند؛ پس این شرط لازم و صحیح است (باریکلو، ۱۰۳، ۱۳۸۷). البته در خصوص این نوع ضمان مباحثی طرح می شود که این پژوهش بنا به اختصار به آن نمیپردازد.

ب- نظرات موافق

برخی با توجه به نیاز گروهی از سپرده گذاران به اطمینان داشتن نسبت به دریافت سود علی الحساب، دیدگاه موافق به تضمین سود علی الحساب دارند و بر این دیدگاه خود دلایلی می آورند؛ مانند:

الف- آنجا که که بانک وکیل در به کارگیری صحیح منابع سپرده گذاران (موکلین) است، با تعیین سود تضمین شده به نوعی ضمانتی بر حسن انجام کار خود داده است و چنانچه سود قطعی کمتر از سود تضمین شده شود، وکیل ملزم به جبران ما به التفاوت از منابع خود خواهد بود؛ لذا این تضمین می تواند در قالب شرط ضمن قرارداد قید شود و از این حیث سود تضمین شده دارای مشروعیت می شود.

ایرادی که به این نظر وارد شده، آن است که تضمین سود در قالب شرط ضمن عقد حاصل می شود، درحالی که صحت شروط ضمن عقد نیازمند مقدماتی است. ماده ۲۳۲ قانون مدنی که برگرفته از قواعد فقه امامیه است:

۱- شرطی که انجام دادن آن غیرمقدور باشد.

۲- شرطی که در آن نفع وفایده نباشد.

۳- شرطی که نامشروع باشد باطل می شمارد.

ماده ۲۳۳ این قانون نیز:

۱- شرط خلاف مقتضای عقد

۲- شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضی نشود باطل می شمارد.

از اینرو، پرداخت سود حداقلی تضمین شده در قالب شرط ضمن عقد می تواند با بند ۳ ماده ۲۳۲ و بند ۱ ماده ۲۳۳ قانون مدنی به دلیل وجود شبهه ربا و مخالفت با مقتضای عقد در تعارض قرار گیرد؛ زیرا بانک صرفاً وکیل سپرده گذاران و در جایگاه شخص ثالث نیست، بلکه با سهام کردن منابع خود در بخش تخصیص منابع و سرمایه گذاری مستقیم، عملاً شریک سپرده گذاران است. از این جهت، دریافت منابع سپرده گذاران و تضمین پرداخت حداقل سود مشخص در جایگاه شریک، می تواند ایجاد شبهه کند پاسخی که میتوان به این ایراد داد آن است که مشارکت بانک با سپرده گذاران سپرده های سرمایه گذاری مدت دار از نوع شرکت قهری است و قراردادی بین طرفین مبنی بر انجام دادن مشارکت منعقد نمی شود که شرط مذکور بخواهد مخالف مقتضای آن باشد یا که آن را صوری کند؛ و قرارداد منعقد شده بین بانک و سپرده گذاران صرفاً از قرارداد وکالت است و نه مشارکت؛ لذا این ایراد نمی تواند برهم زننده استدلال باشد.

ایراد دومی بر استدلال وارد شده است مبنی بر اینکه شرط تضمین سود در قالب شرط ضمن قرارداد وکالت مخالف مقتضای قرارداد وکالت است؛ چراکه احکام ولوا از نظر شرعی و عرفی عقد وکالت حکم جواز چنین قیدی مبنی بر کسب سود تضمینی برای سپرده گذار را در خود ندارد. از سوی دیگر طبق بند ۱ ماده ۲۳۲ قانون مدنی (که مستفاد از فقه امامیه است)، شرطی که انجام دادن آن غیرمقدور باشد از جمله شروط باطل است که البته مفسد عقد نیست. از اینرو در نظام حقوقی، در وکالت موسوم به وکالت تضمینی و تعهد به نتیجه، وکیل صرفاً قادر است وصول حق الوکاله را مشروط به نتیجه قرارداد؛ یعنی اگر نتیجه در پرورنده وکالت حاصل شود، وکیل مستحق دریافت حق الوکاله می شود، اما وکیل نمی تواند نتیجه را تضمین کند؛ بنابراین، بانک نیز به عنوان وکیل نمی تواند حصول سود معین را برای سپرده گذاران (موکلین) در شرط ضمن عقد وکالت تضمین کند؛ چراکه با توجه به تحولات و نوسانات اقتصادی، این شرط می تواند مصداق شرط غیرمقدور باشد و نمیتوان تضمین سود را بر آن استوار کرد. این ایراد محل تأمل است، اما پرسش اصلی این است که آیا چنین شرطی موجب ربامیشود؟ یقیناً خیر؛ چراکه با فرض مشکل دار بودن شرط، صرفاً شرط باطل میشود و قرارداد وکالت باطل نخواهد شد. حتی اگر حالت افراطی آن مبنی بر مخالفت شرط با مقتضای قرارداد وکالت را هم در نظر بگیریم و بنا به ماده ۲۳۳ قانون مدنی، این شرط را موجب بطلان قرارداد قلمداد کنیم، باز می توان گفت سرانجام سود ایجاد شده از نوع سود حلال اما بدون قرارداد است که باز هم مصداق ربا نخواهد بود. آنچه در نهایت از این بحث مستخرج می

شود آن است که چنانچه بپذیریم این شرط مخالف مقتضای قرارداد وکالت است، بطلان شرط و قرارداد حاصل میشود اما به ربا منتهی نخواهد شد. البته باید اذعان کرد که سود محقق شده ممکن است با سود علی الحساب تضمین شده متفاوت باشد.

ب- نظر دیگر در تأیید مشروعیت سود تضمین شده بیان می‌دارد که سرمایه‌پذیر می‌تواند متعهد شود محصولات تولیدی رابه نرخی که متضمن تحقق سود تضمین شده است خریداری کند. این شرط به نوعی تعهد بر خرید محصول است و از صحت و مشروعیت برخوردار است. در بررسی این نظر باید گفت، این تعهد بیشتر برای سپرده‌پذیری در سرمایه‌گذاریهای مشخص و یا اوراق مشارکت طرحهای اقتصادی کاربرد دارد. در سپرده‌پذیری بانکی که وجوه سپرده‌گذاران در عقود مختلف از جمله مرابحه، مشارکت، اجاره، سلف، جعاله، و غیره استفاده می‌شود، به واقع در تمام حالات، محصول تولیدی مشخص و واحد در انتهای دورمالی وجود ندارد که سپرده‌پذیر تعهد به خرید آن با قیمتی داشته باشد که سود تضمین شده را پوشش دهد. از اینرو، این پیشنهاد از شمولیت کافی جهت تضمین سود علی الحساب سپرده‌های وکالتی برخوردار نیست.

ج- نظر دیگر از سوی موافقین سود تضمین شده مرتبط با عقد صلح است. بدین معنا که آسانترین راه مصالحه بر ابراء است، یعنی طرفین درازای رد و بدل شدن مبلغی تحت عنوان سود تضمین شده مصالحه می‌کنند؛ به این شکل که در پایان با مشخص شدن سود قطعی، بانک سودهایی را که مازاد بر سود قطعی به سپرده‌گذار داده است، پس‌نگیرد و در طرف مقابل، سپرده‌گذار هم مازاد سود قطعی نسبت به سود دریافتی را به بانک تملیک کند. از آنجاکه از لحاظ فقهی قلمرو صلح مانند شروط محدود به عدم تحلیل حرام و عدم تحریم حلال است (حرانی، ۱۴۰۰، ق، ۱۷۲)، این صلح در تأیید سود تضمین شده هم قابل پذیرش است. در پاسخ به این نظر ایراداتی طرح می‌شود؛ از جمله شبهه ربا که گفته می‌شود نمی‌توان به قطعیت از عدم تحلیل حرام توسط این صلح سخن به میان آورد. جواب این ایراد آن است که اولاً حرام بودن این رویه نیازمند قطعیت است و تا این قطعیت حاصل نشود، عدم قطعیت تحلیل حرام موضوعیت ندارد. دوماً با فرض بطلان صلح، قرارداد اصلی (وکالت) باطل نمی‌شود که اگر هم شود باز نمی‌توان به ایجاد ربا حکم داد. چون قرارداد ربا و قرض با بهره خودکار محقق نمی‌شود و احتیاج به قصد طرفین دارد که در اینجا چنین قصدی برداشت نمیشود. همچنین ایراد دومی که به این نظر می‌شود آن است که کاربرد عقد صلح برای رفع اختلاف است و نه به عنوان مبنا و پایه برای دوربیش از ایجاد اختلاف، آنهم در حالیکه هنوز میزان سود قطعی مشخص نشده است. در پاسخ به این نظر نیز میتوان گفت که اولاً این صلح می‌تواند در پایان جریان سرمایه‌گذاری حتی در صورتی که سود قطعی محاسبه نشده باشد، انجام گیرد؛ بنابراین، تضمین در ابتدا مقتضای تعهد بانک در حاضر شدن برای صلح در انتهاست. دوم آنکه، غالب فقهای شیعه انحصار قرارداد صلح رابه باب منازعات نپذیرفته‌اند و اعتقاد بر آن دارند که با توجه به ماهیت مستقلی که این قرارداد دارد، افزون بر موارد منازعه و اختلاف، دراموری هم که نزاعی در آن مطرح نیست، قابل استفاده و کاربرد است (نجفی، ۱۳۶۲، ق، ۲۱۱، ۲۶ و موسوی خمینی، ۱۴۱۶، ق، ۱، ۵۱۶).

ایراد سوم به این نظر آن است که بنا به نظر فقهی، چنانچه سود قطعی به نسبت مال الصلحه همان سود تضمین شده است، مازاد فاحش داشته باشد، در این صورت، سپرده‌گذار حق فسخ صلح را به استناد خیار غبن خواهد داشت؛ زیرا صلح منعقد شده معامله تعابنی است و در آن خیار غبن جاری است (طباطبایی، ۱۴۲۰، ۹، ۴۲).

از سوی دیگر، اگر مال الصلح نسبت به سود قطعی مازاد فاحش داشت و به عبارتی، سود چندانی حاصل نیامده باشد، در این حال، صلح منفسخ میشود و سپرده‌گذار باید سود دریافتی را به طرف دیگر برگرداند؛ زیرا در معاملات معوض، تحقق عوضین و وجود آن شرط صحت قرارداد است (شهیدی، ۱۳۷۷، ۱، ۸۴، ۱۳۷۷، ۱، ۸۴ و ونائینی، ۱۴۲۱، ۲، ۹۷).

در اینجا نیز سود که عوض مال الصلح است محقق نشده است و قرارداد باطل خواهد بود. در نتیجه با فسخ صلح، وجهی برای مالکیت سپرده‌گذار نسبت به مال الصلح باقی نخواهد ماند (باریکلو، ۱۳۸۷، ص، ۱۰۸). البته به این سخن میتوان چنین پاسخ داد که در بحث سپرده‌های بانکی، اگر تفاوتی هم بین سود علی الحساب با سود قطعی رخ دهد، به طور معمول، در حد چند درصد جزئی خواهد بود و هیچوقت به حد غبن و نوبت به خیار غبن نمیرسد.

۵. بررسی فقهی سپرده‌های با سود ثابت

ماهیت فقهی سپرده جاری و سپرده قرض الحسنه، "عقد قرض بدون بهره" است و ماهیت فقهی "سپرده پس‌انداز با سود ثابت"؛ "سپرده سرمایه‌گذاری با سود ثابت" و "سپرده سرمایه‌گذاری با سود متغیر"؛ "عقد وکالت عام" است؛ با این تفاوت که در سپرده پس‌انداز با سود ثابت و سپرده سرمایه‌گذاری با سود ثابت، منابع حاصل از این سپرده‌ها با تدابیر خاصی، فقط در اعطای تسهیلات با عقود با بازدهی ثابت (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، تنزیل) به کار می‌رود. در نتیجه سود ثابت به همراه دارد و منابع سپرده سرمایه‌گذاری با سود متغیر از طریق عقود با بازدهی ثابت و عقود مشارکتی به کار گرفته می‌شود. بنابراین هیچ یک از این سپرده‌ها مشکل فقهی و قانونی نداشته، می‌توانند در "بانکداری بدون ربا" به کار گرفته شوند (موسویان، ۱۳۸۹، ۲۹).

نتیجه

نتیجه‌ای که بدست می‌آید این است که بهره و ربا زیاد در قرض هستند. سود و بهره نیز به دلیل تعلق به مالک سرمایه، و مازاد بر اصل سرمایه، مشترک هستند. ولی از لحاظ موضوع و سبب مملک دارای تفاوت می‌باشند.

همچنین از مباحث گذشته این نتیجه بدست می‌آید بانکداری غیربوی، به علت احتیاج ملل اسلامی، بر اساس اصول دینی اسلام یعنی مشارکت در سود و ضرر با هدف اجتناب از ربا و گردش درست پول و ایجاد تسهیلات لازم گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه جهت رسیدن به یک اقتصاد مبتنی بر قسط

وعدل با راه کارهایی، مانند خریدن کالا به قیمت بالاتر از قیمت بازار از وام دهنده، به جای پرداخت مستقیم سود، یادر نیت، طلبکار نبودن نسبت به مازاد ویا دریافت سود بر اساس عقود اسلامی را پیشنهاد نموده اند.

از نظر حقوقی نیز بر اساس قانون بانکداری بدون ربا، عقدی که بین بانک و صاحبان حسابهای سپرده سرمایه گذاری منعقد می گردد، عقد وکالت می باشد. بدین ترتیب که بانک به استناد عقد مزبور از طرف سپرده گذار وکیل می شود تا سرمایه وی را در امور مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره به شرط تملیک، معاملات سلف وجعاله مورد استفاده قرار دهد. سود حاصل از عملیات مزبور را پس از کسر حق الوکاله خویش به وی مسترد نماید.

بر اساس مباحث نظرات مخالفان، تضمین سود علی الحساب تا حد زیادی قابل تردید است. در طرف مقابل، در میان نظرات موافقان این مبحث، می توان نظر شرط ضمن عقد وکالت را برای تضمین سود علی الحساب از جانب بانک به عنوان وکیل سپرده گذاران سپرده های سرمایه گذاری مدت دار و همچنین استفاده از قرارداد صلح را جدید ترین نظرات دانست که البته در حواشی این نظرات نیز چالش هایی مطرح خواهد بود؛ بنابراین، نمی توان تضمین سود علی الحساب در قالب شرط ضمن عقد وکالت و یا بواسطه صلح را بدون هیچ مانعی دانست.

با وجود اختلافاتی که تمام مذاهب اسلامی در بعضی از موضوعات دارند در مورد جایگاه و موقعیت سود در حقوق اسلام دارای یک نظر هستند که سود دارای مشروعیت است و به مالک سرمایه و عامل انجام سرمایه گذاری تعلق می گیرد. و در این موضوع مخالفتی بین متفکران مذاهب اسلامی وجود ندارد. اما اکثریت علمای حقوق اسلامی بهره را دارای مشروعیت نمی دانند و آنرا نوعی ربا محسوب نموده اند که در قرآن به روشنی به حرمت آن تصریح شده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ۱- اصبحی مدنی، مالک ابن انس، المدونه (۱۴۱۱ ه ق)، نشر دارالفکر، جلد ۳، بی چا
- ۲- البسام، شیخ عبدالله، توضیح الاحکام من بلوغ المرام، ۱۴۲۳، مکتبه الاسدی
- ۳- باریکلو، علیرضا، وضعیت شرط ضمان سرمایه در حقوق ایران، ۱۳۸۹، فقه و حقوق اسلامی، سال اول، سال اول، شماره ۱، ص ۲۳-۱
- ۴- باریکلو، علیرضا؛ «وضعیت شرط تضمین سود»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۷، دوره ۳۸، شماره ۴.
- ۵- باقری تودشکی، مجتبی، رابطه نرخ سود و تورم در اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۳، دانشگاه مفید، پژوهش های پولی و بانکی
- بهشتی، سید حسن، اقتصاد اسلامی، مقاله بانکداری و قوانین مالی اسلام، ۱۳۴۲، نشریه مکتب تشیع-۶
- تبریزی، جواد بن علی، استفتائات جدید، بی تا، جلد ۲، قم-۷
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در مینولوژی حقوق، ۱۳۸۱، جلد ۲، تهران، انتشارات گنج دانش
- ۹- خامنه ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، چاپ ونشر بین الملل، ۱۳۸۸، تهران، سوال ۱۹۲۲.
- ۱۰- خوئی، سید ابوالقاسم، توضیح المسائل، مسائل مستحدثه، نشر رستگار، ۱۳۸۳، چاپ دوم
- ۱۱- خوئی، سید محمد تقی، الشروط او التزامات التبعية فی العقود، بی تا، بی تا، ۱۴۱۷ ق، تهران.
- ۱۲- خورشید، احمد، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمد جواد مهدوی، ۱۳۷۴، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۲- سبحانی، جعفر، کتاب استفتائات، مباحث معاملات و بانکی، انتشارات موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، جلد ۱، سوالات ۷۹۱، ۷۹۵، ۸۲۹
- ۱۳- سهیلی، زهرا، بررسی آثار اقتصادی انتشار اوراق مشارکت، چاپ اندیشه، ۱۳۸۷، تهران.
- ۱۴- سیستانی، علی؛ استفتائات، سایت اینترنتی، سوالها و جوابها، بانک، سؤال ۱۹، به نقل از: موسویان، سید عباس، معاملات بانکی از دیدگاه مراجع تقلید، پژوهشکده پولی و بانکی ۱۳۸۷، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۵- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، نشر دادگستر، ۱۳۸۴، جلد دوم، چاپ ششم.
- ۱۶- ستوده تهرانی، پرویز. بررسی انواع اوراق مشارکت، چاپ اندیشه، ۱۳۷۵، تهران.
- ۱۷- سرخسی، علیرضا. تعدیل تعهدات قراردادی بر پایه اصول وقواعد حاکم برفقه اسلامی، پژوهش های حقوقی دانشگاه بروجرد، ۱۳۶۴، ۲، (۱) ۱۷-۴۰
- ۱۸- شهیدی، مهدی، اصول قراردادهای و تعهدات، عصر حقوق، ۱۳۷۷، چ اول، تهران.
- ۱۹- شهیدی، مهدی، اصول قراردادهای و تعهدات، عصر حقوق، ۱۳۷۷، چ اول، تهران.
- ۲۰- شافعی، محمد بن ادریس، الام، نشر دارالوفاء، ۲۰۰۱، جلد ۳
- ۲۱- شاپرا، محمد عمر، النظام النقدي والمصرفی فی الاقتصاد الاسلامی، ۱۴۰۴، المجلد الاول، بحث فی مجله ابحاث الاقتصاد الاسلامی، العدد الثانی
- ۲۲- شهیدی، مهدی؛ حقوق مدنی، شروط ضمن عقد، مجد، ۱۳۸۷، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران
- ۲۳- شهیدی، مهدی، اصول قراردادهای و تعهدات، عصر حقوق، ۱۳۷۷، چ اول، تهران.
- ۲۴- شم آبادی، غلامرضا. نگرش اسلام به فعالیت های بازار بورس و اوراق بهادار، میزان، ۱۳۹۱، تهران
- ۲۵- صدر، سید محمد باقر، البنك الاربوی فی الاسلام، دارالعارف، ۱۴۰۳، چاپ هشتم، بیروت

- ۲۶- صدر، سیداحمد، داد و ستد دست دوم اوراق مشارکت در حقوق اسلام، چاپ پدیدار، ۱۴۰۳، تهران
- ۲۷- ضیایی، داود. «چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان و راهکارهای آن»، جنگل، ۱۳۷۲، تهران.
- ۲۸- طباطبایی قمی، سیدتقی، الغایه القصوی فی التعلیق علی العروه الوثقی، انتشارات محلاتی، ۱۴۲۳، قم.
- ۲۹- طباطبایی، سید علی (۱۴۲۰). ریاض المسائل، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۲، جلد ۱۰، چاپ اول، قم.
- ۳۰- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه بر مکاسب، پدیدار، ۱۴۱۹، چاپ اول، تهران.
- ۳۱- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی (المحشی)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹، جلد پنجم، قم.
- ۳۲- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، نشر کتابخانه دیجیتال موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، ۱۴۲۹، جلد ۳
- ۳۳- عقلی، پرویز، بررسی انواع اوراق مشارکت، چاپ اندیشه، ۱۳۸۵، تهران
- ۳۴- غنی نژاد، موسی (۱۳۷۶)، تفاوت ربا و بهره بانکی، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱۲
- ۳۵- غنی نژاد، محمد، مبانی فقهی اوراق مشارکت، چاپ پدیدار، ۱۳۸۴، تهران.
- ۳۶- فراهانی فرد، سعید، سیاست های پولی در بانکداری بدون ربا، بوستان گلستان، ۱۳۹۲، چاپ اول، قم
- ۳۷- قحف، منذر، قضایا معاصره فی النقود والبنوک والمسامحه، نشر البنك الاسلامی للتنمیه، ۱۴۲۴، چاپ دوم
- ۳۸- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲، چاپ چهارم
- ۳۹- میرآخور، محسن خان و عباس، مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، بهار، ۱۳۷۰، تهران.
- ۴۰- مصباحی مقدم، غلامرضا، پول مجموعه مقالات، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۳.
- ۴۱- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی اجوبه السوالات، مؤسسه کیهان، ۱۴۱۳، جلد سوم، تهران.
- ۴۱- موحدی لنگرانی، محمد فاضل، جامع المسائل، انتشارات امیر قلم، ۱۴۲۵، قم.
- ۴۲- نائینی، میرزا محمد حسین، منیه الطالب، نشر اسلامی، ۱۴۲۱، جلد ۲، چاپ اول.
- ۴۳- نجار، احمد، البنوک غیر الربویه- طریقتنا الی نظریه متمیزه فی الاقتصاد الاسلامی، بی نا، بی تا.
- ۴۴- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۹۱، جلد ۳، چاپ اول، قم.
- ۴۵- نجفی، حسن، شروط ضمن عقد در مذاهب اسلامی و حقوق ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهرضا، ۱۳۸۱، (۶) ۲۵، ۳۱-۶
- ۴۶- نوری همدانی، هزار و یک مسئله فقهی، مسائل مستحدثه، جلد ۲، گرد آوری و تدوین: موسویان، سید عباس، معاملات بانکی از منظر مراجع تقلید، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ویرایش دوم.
- ۴۷- مکارم شیرازی، ناصر، المسائل واستفتانات، جلد ۱ و ۲ و ۳، گرد آوری و تدوین: موسویان، سید عباس، معاملات بانکی از منظر مراجع تقلید، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ویرایش دوم.
- ۴۸- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه سید عباس حسینی نیک، نشر مجد، ۱۳۹۴، جلد ۳، ۲، ۱، چاپ سوم.
- ۴۹- موسوی خمینی، روح الله، توضیح المسائل، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴، جلد دوم، چاپ هشتم، قم.
- ۵۰- موسویان، سید عباس، بررسی فقهی اقتصادی بازار اقتصادی ثانوی سپرده های مدت دار، فقه اهل بیت، ۱۳۸۹، تهران، پدیدار
- ۵۱- موسویان، سید عباس، ارزیابی عملکرد سپرده های بانکی در بانکداری بدون ربای ایران، پدیدار، ۱۳۸۹، تهران.
- ۵۲- میرآخور، محسن خان، مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، ۱۴۲۰، قم، تهران.